

واکوی تأثیر انقلاب اسلامی بر آسیای مرکزی و قفقاز

به دلیل اشتراکات فرهنگی و تمدنی فراوانی که میان ایران و جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز وجود دارد، انقلاب اسلامی ایران توانسته است در حوزه های هویتی، دینی و تمدنی تأثیرات قابل قبولی بر جوامع منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داشته باشد.



به گزارش آران نیوز: به نقل از سایت حوزه ایران اسلامی در طول سالیان متمادی و چندین دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران توانسته است به عنوان قدرتی فرا منطقه ای ظهور یابد و در سیاست خارجی خود همواره توانسته با بازیگران فرا منطقه ای و حتی جهانی دست و پنجه نرم کرده و به نوعی نقشی کلیدی در تحولات مناطق همجوار خود داشته باشد، گو اینکه جمهوری اسلامی ایران همواره در تلاش است تا با ترسیم صلح و ثبات در منطقه های پیرامون خود، خصوصاً در آسیای مرکزی که حوزه تمدنی و تاریخی ایران نیز می باشد، به رشد و توسعه همه جانبه منطقه و همچنین ایجاد ثبات و امنیت در مناطق مذکور کمک نماید.

با این حال برخی از رقبای منطقه ای و فرامنطقه ای جمهوری اسلامی ایران، خواهان توقف قدرت نرم و عدم تسری نفوذ جمهوری اسلامی ایران به سایر نقاط به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز می باشند؛ رقبای جمهوری اسلامی ایران در منطقه همواره با روش های مختلفی باعث می شوند و درصدد هستند تا ایران را از آسیای مرکزی جدا نمایند، به طور مثال کشور های اروپا یی و خصوصاً ایلات متحده آمریکا ایران هراسی و انجام تبلیغات و تهاجم رسانه ای فراوان تلاش دارند تا وابستگی گروه های افراط گرای مذهبی و جریان های رادیکال در منطقه آسیای مرکزی را به رژیم هایی مانند آل سعود و وهابیت کتمان نموده و در تبلیغات رسانه ای خود، این امر را به ایران منتسب کنند، همچنین تلاش دارند تا دولت های منطقه را نسبت به جمهوری اسلامی ایران و همچنین انقلاب اسلامی ایران بد بین نمایند، چه آن که ایران در صدد تغییراتی در رژیم های دیکتاتوری منطقه می باشد.

در همین زمینه ترکیه و حتی جمهوری آذربایجان که چندان نمی تواند در سیاست های منطقه تأثیر گذار باشد، تلاش دارند تا هویت و فرهنگ و تمدن ایرانی و یا ایران کهن در آسیای مرکزی را زیر سوال برده و به جایگاه فرهنگی و تمدنی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز لطمه بزنند، آنها با گسترش اندیشه های ترکی و خصوصاً پان ترکیسم تلاش می کنند تا اقوام ترک و قومیت های وابسته به ترک ها در مناطق مختلف آسیای مرکزی، را از تاریخ و هویت مشترک با جمهوری اسلامی ایران برحذر داشته و مانع تراشی های مختلفی را در این راه انجام می دهند. از این رو به موازات تحریک و حمایت های حکومت هایی مانند آذربایجان، ترکیه، آمریکا و ... اقداماتی مانند تحریف تاریخ و تغییر هویت و ملیت فیلسوفان و شاعران و نامداران ایران کهن و مصادره تاریخ ایران زمین به نفع دولت های خودکامه منطقه آسیای مرکزی در راستای هویت سازی دروغ برای این حکومت ها و نیز ایران هراسی و شیعه هراسی در راستای رسیدن به مطامع خود، گام هایی را برداشته اند.

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود بیش از گذشته برای شرق اهمیت قائل است؛ در نگاه های ژئوپلیتیکی ایران، شرق دارای اهمیت فراوانی گردیده است. محیطی که ایران در سطح منطقه و بین الملل با آن مواجه است، به شدت به نظام جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می کند و لذا ایران را وامی دارد با گسترش پیوند ها و همکاری هایش با دولت های دیگر، این فشار ها را کم نماید. از این رو است که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد نگاه به شرق در کانون توجه دولتمردان ایران بود، جمهوری اسلامی ایران در خصوص نگاه به شرق بر اشتراک های هویتی و تمدنی خود خصوصاً در هرصه زبان و ادبیات فارسی و تاریخ مشترک فرهنگی و تمدنی با کشور های شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز تمرکز دارد و این امر تا حدود زیادی توانسته به پیشبرد اهداف فرهنگی- معرفتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کمک نماید.

با نگاهی اجمالی به این منطقه می توان برخی از امتیازات و همپوشانی های فرهنگی و مذهبی میان جمهوری اسلامی ایران با جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز را مشاهده نمود. وجود اشتراکات دینی با مسلمانان منطقه، اشتراکات زبانی و ... همه نشان از وجود اشتراک های بی نظیر میان ایران و کشور های آسیای مرکزی و قفقاز دارد.

با فروپاشی شوروی مردم کشور های آسیای مرکزی همانند سایر جمهوری استقلال یافته از شوروی، می بایستی هویت جدیدی برای خود فراهم کنند، مردم آسیای مرکزی در جریان زندگی روزمره، دوست دارند هویت خود را با نهادها و مکان های کوچک تر و محدودتر شناسایی کنند به این شرایط در زمان شوروی سابق، مسئولین اتحاد جماهیر شوروی را دچار سردرگمی کرد چنان که بیان می دارند، مردم آسیای مرکزی در درجه اول خود را مسلمان می دانند و در درجه بعد منطقه یا شهر زندگی برای آن ها مهم است. ایده تعلق داشتن به یک ملت خاص برای آنان اهمیتی ندارد؛ به عبارت دیگر عناوینی مانند ازبک، تاجیک و آذری که در ترمنولوژی محققان روس به چشم می خورد، برای آنان اهمیتی نداشته است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای آسیای مرکزی و جمهوری های استقلال یافته از سیطره هفتاد ساله کمونیستی همانند بسیاری از کشورهای مسلمان، تأثیر عمیقی در تهییج مسلمانان به ویژه در مناطقی مانند آسیای مرکزی و قفقاز که دارای اشتراکات تاریخی، هویتی و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران دارند، داشته است.

کشور های آسیای مرکزی از قدیم در حوزه تمدنی ایران بوده اند و همواره دولتهای مختلفی در دوران تاریخی گذشته از ایرانیان

بر منطقه آسیای مرکزی تسلط داشته اند، ایران می تواند با بهره گیری نفوذ فرهنگی در بسیاری از کشور های جهان به ویژه مناطقی که دارای تاریخ و پیشینه ای مشترک با حوزه تمدنی ایران دارند، به اهداف خود نائل آید و در این بین، کشور های آسیای مرکزی بیشترین اشتراک های فرهنگی، تاریخی و زبانی را با ایران دارد و لذا با توجه به منافع گسترده ایران در این منطقه و با استفاده از دیپلماسی فرهنگی می توان به تقویت حوزه نفوذ تمدنی و همچنین تحکیم قدرت فرهنگی اقدام نموده و به نتایج مطلوبی دست یافت.

ایران در خصوص کشور های منطقه آسیای مرکزی دیدگاه هایی دارد که به شرح زیر است:

1- در عین اینکه کشور های مسلمان آسیای مرکزی مسلمان می باشند و اکثریت جمعیت آنها را قومیت های مختلف مسلمان تشکیل می دهد با این حال کشور های آسیای مرکزی و قفقاز به لحاظ هویتی و اندیشه ای با سایر کشور های اسلامی تفاوت هایی دارند. هر چیزی که در این منطقه به منزله یک نوع هویت باشد، اسلام نامیده می شود. سایر عوامل هویت نظیر ارزش های ملی، سنت ها و آداب با خصوصیات اسلامی ترکیب شده و نوع جدیدی از هویت اسلامی را تشکیل می دهند؛ بدین ترتیب اسلام در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در مرحله کسب اعتماد جدید است. این حقیقتی است که نباید نادیده گرفت.

2- با توجه به قرابت های مهم فرهنگی و هویتی کشور های آسیای مرکزی با ایران، می توان بیان داشت که این کشور ها به طور گسترده ای با جمهوری اسلامی ایران از نظر هویت دینی اشتراکاتی دارند که برخلاف تفاوت هایی که مسلمانان منطقه آسیای مرکزی با سایر کشور های اسلامی دارند، در این خصوص با جمهوری اسلامی ایران دارای کمترین اختلافات فرهنگی و هویتی دینی هستند، در این مورد می توان به مثال های زیادی اشاره نمود، مهمترین رویدادهای مشترک دینی و هویتی کشورهای آسیای مرکزی با ایران، اولاً در این است که اهل سنت آسیای مرکزی همواره دوست دار اهل بیت (علیهم السلام) هستند و دوم اینکه کشورهای آسیای مرکزی همواره سنت های ایرانی و ملی ایرانیان را پاس داشته و برای خود نیز جشن های ملی ایرانیان را برگزار می نمایند. مثلاً ایران روز نوروز و سنت های نوروزی حاکم بوده و بعد از فروپاشی شوروی بازگشت به این هویت تمدنی- ایرانی در تمامی کشور های آسیای مرکزی مشاهده می شود. مردم منطقه نوروز را بخشی از هویت ملی خود که مورد تایید مذهب رسیده، قلمداد می کنند.

3- جمهوری اسلامی می بایست در منطقه آسیای مرکزی همه جوانب همکاری های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را با یکدیگر دنبال کند، زیرا این عوامل مکمل همدیگر بوده و نادیده گرفتن یکی از موارد فوق به طور یقین به موفق نشدن عوامل دیگر منتهی می شود. زیرا منطقه آسیای مرکزی با بحران های مختلف سیای، اجتماعی و هویتی رو به رو است بنابراین ایران با سرمایه گذاری اقتصادی و گسترش روابط سیاسی می تواند پیوند های حیاتی و استراتژیکی با دولت های منطقه برقرار نموده و با استفاده از مشترکات فراوان زبانی و هویتی و تمدنی که با ملت های آسیای مرکزی دارد، به اقتناع مردم منطقه آسیای مرکزی و جذب آنها حول فرهنگ مشترک مبادرت ورزد.

4- هنجار ها و علوم و معارف فرهنگی و اجتماعی و هویتی حوزه تمدنی ایران، همانند گذشته، و با توجه به بحران هویتی که در حال حاضر کشور های منطقه گریبان گیر آنها است، مورد توجه کشورهای آسیای مرکزی می باشد. در حال حاضر ایران اقدامات سیاسی، اقتصادی گسترده ای در منطقه آسیای مرکزی دارد و کشور های منطقه نیز وجود فعالیت های اقتصادی ایران را برای خود یک ضرورت می دانند و همواره به کمک های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران برای رسیدن به دست آورد های هویتی، فرهنگی و حتی ملی خود نیازمند هستند.

5- بیشتر رسانه های غربی و شبکه های سخن پراکتی تفکرات غربی، جهان را از تهدید افراط گرایی مذهبی می هراسانند، با این وجود در آسیای مرکزی می توان به این درک رسید که همکاری مهمترین اصل در منطقه است. لذا وجود جریان های افراط گرای مذهبی در برخی از مناطق آسیای مرکزی نباید ما را گمراه کند، زیرا فقط موی توان روی مباحث اساسی که همان گرایش کلی مردم آسیای مرکزی به سوی اسلام است، متمرکز شد، اسلامی که ماهیتاً سازنده بوده و بر اساس اصل همکاری، آینده جدیدی را برای منطقه آسیای مرکزی نوید میدهد.

ویژگی اصلی جامعه آسیای مرکزی و قفقاز این است که سرنوشت آن تا آخر با سرنوشت جامعه غربی مطابقت ندارد، چه آنکه دارای سرنوشت درهم تنیده ای با تمدن ایرانی- اسلامی می باشد؛ آنچه جامعه آسیای مرکزی از نوعی دموکراسی دارند و اغلب لیبرال های غرب افراطی از آن گلایه دارند، قطب اصلی این منطقه است و اثبات آنچه جوامع آسیای مرکزی با وجود گذراندن مدت زمانی در مسیر سرنوشت تمدن های اروپایی، آن را سرنوشت خود نکرده اند، از این نظر سرنوشت جامعه آسیای مرکزی متفاوت از دنیای غرب خواهد بود.

سرنوشت جامعه آسیای مرکزی با سرنوشت حوزه تمدنی و فرهنگی ایران گره خورده و بسیار مشابهت دارد، بعبارت دیگر هر تغییری که در حوزه تمدنی ایران رخ می دهد، مستقیماً بر فرهنگ و هویت جوامع مستقر در آسیای مرکزی اثر خواهد گذاشت. ایران بعد از فروپاشی شوروی کوشید تا از رهگذر ارتباط و تماس مستقیم با کشور های آسیای مرکزی وارد منطقه شود و حضور و نفوذ مستمری بیابد، از این رو ایران در نخستین اقدام پس از فروپاشی شوروی، کشور های آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و شروع به تاسیس نمایندگی های سیاسی خود در این کشور ها نمود.

جمهوری اسلامی ایران در تنظیم روابط خود نسبت به آسیای مرکزی با سه رویکرد روبه رو بوده است:

1- رویکرد ایدئولوژیک با محوریت اسلام

2- رویکرد فرهنگی با تاکید بر مشترکات فرهنگی، تاریخی و زبان فارسی

3- رویکرد عملگرایی با رعایت ملاحظات سیاسی.

از آنجا که ایران از یک طرف با وضعیتی غیر آشتی جویانه با آمریکا به سر می برد و از سوی دیگر حساسیت روسیه را نیز نسبت به کشور های آسیای مرکزی درک نموده، لذا رویکرد سوم را با استفاده از مزایای رویکرد دوم انتخاب نموده است، دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در تعریف منافع ملی کشور در آسیای مرکزی به گونه ای عمل نموده اند که کمترین تضاد و حساسیت را با سیاست های روسیه در منطقه داشته باشند.

آن چه به انقلاب اسلامی در خصوص تحولات سیاسی قفقاز مربوط می شود، این است که انقلاب اسلامی در تعیین ایدئولوژی و جهت دهی مشی سیاسی قفقازیها، دو مرحله را طی نمود:

1- پیش از فروپاشی شوروی (1991 - 1979): وقایع و پیام های انقلاب در درون قلمرو شوروی سابق، به ویژه میان مسلمانان، جذابیت فراوانی داشت. کاریزمای شخصیت امام خمینی چنان بود که تأثیر شگرف ایشان بر میلیون ها انسان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان در آسیای مرکزی و قفقاز، قابل انکار نیست.

علی رغم مقابله شوروی با نفوذ افکار آرمانی انقلاب اسلامی در این منطقه، اشتراکات دینی، نژادی و فرهنگی این کشورها با ایران، عاملی مهم در تاثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر این کشورها، تجدید حیات اسلام و تقیید عملی آنها به اسلام بوده است. انقلاب اسلامی ایران برای آنها یکسری جذابیت هایی داشت که منافع شوروی را در خطر می انداخت که از جمله آنها عبارتند از: وجهه ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی، ماهیت مردمی و وعده های آن مبنی بر کنار نهادن دیوانسالاری فاسد کهن و روی کارآوردن نسل جدید از رهبران جوان مردمی و....

در این راستا وجود عواملی، همچون حضور مردم در مساجد و تبدیل امام خمینی به سمبل سیاسی در این منطقه باعث شده بود تا سیاستمداران شوروی همواره نگرانی خود را از رسوخ اسلام سیاسی - پیامد گریز ناپذیر گسترش رابطه این جمهوری ها با ایران - ابراز کرده و همیشه سعی داشتند که تا حد ممکن مسلمانان مناطق اتحاد شوروی را از ایران دور نگه دارند.

زمینه های روابط فرهنگی ایران و مناطق آسیای مرکزی و قفقاز

اگرچه انقلاب اسلامی بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و هویت مردم منطقه تاثیر فراوانی داشت، با این حال تا قبل از فروپاشی شوروی به دلیل فقدان ارتباط مستقل، بین ایران و این کشورها مناسبات فرهنگی گسترده ای به چشم نمی خورد. در این دوره بیشتر مناسبات فرهنگی ایران با این مناطق در چارچوب زمینه های مشترک تاریخی، زبانی و دینی است. «زبان فارسی»، سنت های مشترکی چون نوروز و برخی از سنت ها که تحت تاثیر دین اسلام شکل گرفت و در ذهن و زندگی روزمره اقوام منطقه انعکاس پیدا کرد؛ مانند صوفی گری، چارچوب های اصلی مناسبات فرهنگی ایران و کشور های منطقه بودند. با این اشتراکات هنگامی که کشور های آسیای مرکزی به استقلال دست یافتند، ایران از یک سو درصدد معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه برآمد و از سوی دیگر اشتراک ها و پیوند های فرهنگ و هویت نژادی، قومی و زبانی خود با مردم آسیای مرکزی را زمینه فعالیت های متنوع فرهنگی قرار داد.

2- پس از فروپاشی شوروی (از 1991 تاکنون): فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، رویدادی پرمعنا در تاریخ معاصر است.

این امر، تغییرات مهمی در محیط جغرافیای سیاسی این منطقه به دنبال داشت. آنچه که به انقلاب اسلامی ایران مربوط می شود، این است که ایران به جای آن که با یک کشور قدرت مند، به نام شوروی، طرف باشد، با چند کشور ضعیف حاصل از انحلال مواجه شده بود که از یک سو کشورهای مذکور خود را در جوار یک ایران انقلابی می دیدند و از طرف دیگر با شکست ایدئولوژی مارکسیسم، این کشورها به نوعی دچار خلأ ایدئولوژی شده بودند.

این شرایط برای انقلابی که بیش از یک دهه از عمرش می گذشت، بسیار مساعد بود که پیام و روح انقلابش را به مردم این کشورها منتقل کند.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری های جدید مستقل در آسیای مرکزی و قفقاز، تغییر بسیار مهمی به شمار می رفت که می توانست در این موقعیت موجود، اسلام را به عنوان جایگزین مطلوب برای ایدئولوژی کمونیستی مطرح نماید. ترس از تجدید حیات اسلام و گسترش اسلام انقلابی، چنان غرب را به تکاپو واداشت که با تلاش در زمینه های توسعه سیاسی و اقتصادی این منطقه، به کوتاه نگه داشتن دست ایران از منطقه پرداخته و دولت های غربی به خصوص آمریکا سعی نمودند تا با معرفی ترکیه به عنوان کشوری مدرن با تجارت آزاد و جدایی کامل دین از سیاست بعنوان سمبل برای این جمهوری ها، به طور غیر مستقیم سیاست های خود را در این منطقه دنبال کنند.

اگر بخواهیم در جهت رفع کاستی های موجود و بهبود ایفای نقش انقلاب اسلامی در تحولات سیاسی آینده آسیای مرکزی و قفقاز، راهکارهایی را پیشنهاد کنیم، توجه به اهمیت ارتباطات منطقه ای و همجواری ایران با کشور های آسیای مرکزی و قفقاز، استفاده از قدرت نرم، وجود اشتراکات دینی با مسلمانان منطقه، اشتراکات زبانی در زیرمجموعه گویش های زبان فارسی، وجود تشابه های فرهنگی با ایرانیان، توجه به پیوندهای اقتصادی موجود میان ایران و منطقه آسیای مرکزی و... می تواند به عنوان مهمترین راهکارها در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز باشد. اما به طور تفصیلی باید گفت که:

1- توجه به اهمیت ارتباطات منطقه ای و همجواری ایران با کشور های آسیای مرکزی و قفقاز می تواند در بستر سازی تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات فرهنگی، دینی و سیاسی این کشورها مؤثر واقع شود.

2- در این زمینه، دو مفهوم «قدرت نرم» و «دیپلماسی عمومی» بیش از هر چیز می تواند راهگشا باشد. با عنایت به زمینه های

ارتباطات موجود میان ایران و آسیای مرکزی، می‌توان استفاده از قدرت نرم را یکی از بهترین راه‌های توسعه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه ارزیابی کرد.

3- مرز، تاریخ، فرهنگ مشترك و از همه مهم‌تر، تأثیر مستقیم تحولات آسیای مرکزی و قفقاز، خصوصا قفقاز جنوبی بر امنیت و تمامیت ارضی ایران، می‌تواند دلایل روشن و محکمی بر مشروعیت حضور مؤثر ایران در روند تحولات منطقه قلمداد شود. ایران از امتیازات و ویژگی‌های خاصی در آسیای مرکزی برخوردار است؛ از جمله: هم‌آیین و هم‌کیش؛ قرابت جغرافیایی؛ اشتراکات فرهنگی-تاریخی؛ اشتراکات زبانی با برخی از اقوام؛ حضور ایرانیان مقیم؛ امتیاز غلبه تأثیرگذاری بر تأثیرپذیری. با نگاهی اجمالی به این منطقه می‌توان برخی از مصادیق این امتیازات و همپوشانی‌های فرهنگی را بین دو طرف مشاهده نمود. وجود اشتراکات دینی با مسلمانان منطقه، اشتراکات زبانی در زیرمجموعه گویش‌های زبان فارسی، وجود تشابه‌های فرهنگی با ایرانیان، به ویژه در تاجیکستان، دره فرغانه در کنار رود زرافشان و سمرقند و بخارا در ازبکستان و نیز مرو و عشق‌آباد، نمونه‌هایی بدیع از این اشتراکات در حوزه فرهنگی است. لذا با توجه به منافع گسترده ایران در این منطقه و با استفاده از دیپلماسی فرهنگی می‌توان به تقویت حوزه نفوذ تمدنی و همچنین تحکیم قدرت فرهنگی اقدام نموده و به نتایج مطلوبی دست یافت.

4- با توجه به پیوندهای اقتصادی موجود میان ایران و منطقه آسیای مرکزی و همچنین زمینه‌های بالقوه همکاری میان جمهوری اسلامی ایران و این منطقه، می‌توان استفاده از ابزار اقتصاد و ارتباطات اقتصادی را نیز به عنوان یکی از اصلیت‌ترین راهکارها به منظور توسعه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه معرفی کرد.

5- انقلاب اسلامی می‌باید خود را با چالش‌های احتمالی منطقه آماده کند. به عنوان مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به گسترش افراط‌گرایی مذهبیو بی‌ثباتی سیاسی و هویتی به دلیل تداوم مناقشات و جنگ‌های قومی و مرزی، خطر ایجاد جنگ‌های داخلی و به دلیل سیستم‌های حکومتی استبدادی که در این کشورها حاکم هستند و در منطقه اشاره نمود.

دکتر مرتضی اشرفی، کارشناس مسائل اوراسیا